مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی و صرفی گویش بستکی و گویش بندرخمیر

محمدصالح ارزن‌کار*

تاریخ دریافت:۹۶/۰۸/۱۹
تاریخ پذیرش:۹۶/۰۸/۳۰

چکیده

بندرخمیر شهری کرانه‌ای و بستک، شهری پس کرانه‌ای در استان هرمزگان است. گویش مردم بندرخمیر زیر گویشی از بندری و گویش بستکی، زیر مجموعه‌ای از دری لارستانی محسوب می‌شود. در دوره‌ی اقتدار حاکمان و خوانین بستک، بندرخمیر زیر نظر حاکمان این شهر اداره می‌شده‌است؛ همچنین ورود سادات قتالی از منطقه‌ی گوده وارِ بستک به عنوان مبلغ و مشایخ طریقت به این شهر، بر زبان و گویش این منطقه نیز بی‌تأثیر نبوده‌است. در این پژوهش، ویژگی‌های آوایی و صرفی دو گویش مزبور بررسی و مقایسه می‌شود. منابع استفاده شده در این تحقیق، کتاب، پایان‌نامه، مقاله و فرهنگ واژگان دو گویش است که داده‌های گویشی به شیوه‌ای توصیفی- تحلیلی مقایسه می‌شود. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد با وجود اینکه گویش بندرخمیر در مجاورت و تأثیرپذیری مستقیم از گویش‌های لارستانی قرار داشته‌است، اما به عنوان گویشی از خانواده‌ی گویش‌های بندری، اصالت خود را از دست نداده و تنها در برخی ویژگی‌های آوایی به سمت گویش‌های لارستانی و بستکی گرایش داشته‌است.

کلیدواژه‌ها: مقایسه‌ی گویشی، گویش بندرخمیر، گویش بستکی، ویژگی آوایی، ویژگی صرفی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.
Arzankar62@yahoo.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۱ـ مقدمه

شهرستان بستک با مساحتی حدود ۵۶۵۳/۴ کیلومتر مربع در حدود ۵/۸ درصد از مساحت کل استان هرمزگان را به خود اختصاص داده‌است. این شهرستان از شمال به استان فارس و از جانب شرق، غرب و جنوب به بندرلنگه محدود می‌شود. شهرستان بندرخمیر نیز با مساحت تقریبی پنج هزار کیلومتر مربع، از شرق به بندرعباس، از غرب به بندرلنگه، از شمال غرب به بستک، از شمال به بخش فین بندرعباس و استان فارس و از جنوب به آب‌های تنگه‌ی هرمز محدود می‌شود. شهر بستک در فاصله‌ی یکصد و هفتاد کیلومتری بندرعباس و صد و ده کیلومتری شهرستان لار واقع شده‌است. به دلیل نزدیکی این شهرستان به لار همچنین به سبب ارتباطات بازرگانی و فرهنگی که از گذشته میان دو منطقه وجود داشته، جغرافیا، تاریخ و فرهنگ این مناطق به هم پیوند خورده‌است؛ از این روست که هنوز هم میان مردم این مناطق ارتباطات تجاری و فرهنگی وجود دارد.

از نظر زبان، مردم بستک با لهجه‌ی فارسی جنوبی (گویش لاری) صحبت می‌کنند؛ به همین دلیل گویش مردم این منطقه با دیگر نواحی استان هرمزگان ـ که بندری زبان هستند ـ متفاوت است. این گویش بسیاری از میراث زبانی فارسی میانه را در خود حفظ کرده‌است. تاریخ جدید بستک با ورود مشایخ بنی‌عباس به این منطقه و مشایخ مدنی به کمشک و بستک در زمان نادرشاه افشار شروع می‌شود. این منطقه (کمشک) در زمان نادرشاه افشار دارای چهار قلعه و حتی مدرسه بوده و به نوعی مرکزیت داشته‌است. به دلیل همین اهمیت‌ها بوده که مشایخ مدنی، آنجا را برای اقامت خود و طریقت ارشاد انتخاب کردند (سلامی، ۱۳۷۳: ۸۵). مشایخ مدنی از سادات حسینی و ساکن مدینه بودندکه به دعوت مشایخ بنی‌عباس برای تبلیغ دین به منطقه‌ی بستک آمدند. معروف‌ترین فرد این خاندان، شیخ احمد مدنی است (بالود، ۱۳۸۴: ۴۳). با سقوط صفویه به دست افغان‌ها، متنفذان محلی لار در پی احیای حکومت لارستان برآمدند و از یک سو بر سر جانشینی با همدیگر و از سوی دیگر به منظور کسب استقلال با حکومت مرکزی به نزاع پرداختند؛ مشایخ عباسی از این فرصت برای کسب پایگاه سیاسی، اجتماعی و مذهبی بهره بردند. آنان که ابتدا به ارشاد مذهبی مردم پرداختند، سپس با حکم حکومتی افشاریه و زندیه اداره‌ی امور سیاسی و اجتماعی مردم و راهنمایی آنان را بر عهده گرفتند و مالکیت اراضی و نخیلات مردم بومی وساکنین دهات را به دست آوردند (موحد، ۱۳۷۰: ۶۰). در دوره‌ی حکمرانی کریم‌خان زند، شیخ محمد دیده بان حاکم بستک، بندرعباس را با ۴۰۰۰ تومان مالیات سالیانه در اجاره داشت. محمدعلی‌خان سدیدالسلطنه (کبابی) درکتاب «بندرعباس و خلیج‌فارس» می‌نویسد: «در دولت آل‌زند، بندرعباس و سایر بنادر متعلق به آنجا را خوانین بستک اجاره می‌نمودند.» (کبابی، ۱۳۶۳: ۷۳۵). در زمان حکومت نوادگان شیخ محمد، مقارن با اواسط دوره‌ی قاجار، سادات قتالی بنا به دعوت حاجی محمدخان بنی‌عباسی، حاکم بستکی بندرخمیر و حومه، از مناطق تابعه‌ی بستک به بندرخمیر آمدند و به تدریس علوم شرعیه پرداختند (دژگانی، ۱۳۸۷: ۴۱). مهاجرت مشایخ و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

تدریس علوم دینی به ازدیاد مریدان از مناطق دور و نزدیک منجر شد و بسیاری از رعایای مناطق بستک که از مریدان اجدادی مشایخ نامبرده بودند، به مناطق بندرخمیر و دژگان آمدند و برای همیشه در این مناطق سکنی گزیدند. امروزه بسیاری از سادات بندرخمیر از نسل این مشایخ بستکی هستند.

این تحقیق، به بررسی و مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی در دو گویش بستکی و بندرخمیر می‌پردازد. با بررسی زبان اقوام می‌توان به فرهنگ و نوع نگرش وخاستگاه آنها پی برد؛ گویی «واژگان زبان، آیینه‌ی فرهنگ مردمی است که آن را به کار می‌برند.» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ از این رو بررسی زبان‌ها و لهجه‌ها راهی است به سوی درک درست فرهنگ و زندگی آن مردم.

گویش بستکی از خانواده‌ی گویش‌های دری لارستانی و گویش بندرخمیر از خانواده‌ی گویش‌های بندری محسوب می‌شود. بندرخمیر در روزگاران دراز به همراه بندرعباس تحت مالکیت و سیطره‌ی خوانین بستک و حکّام لارستان قرار داشته‌است. حتی مؤلف «گمشدگان لب دریای پارس» با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «لازم به گفتن است که بسیاری از روستاهای شهرستان بندرخمیر و بندرلنگه به دنبال حکومت حاکمان لار بر آن مناطق، در گذشته تحت تأثیر آنها قرار گرفته و نسبتاً یا کاملاً به لاری سخن می‌گویند؛ مانند بندرخمیر، رویدر، پدل، لمزان و ... .» (افراسیابی، ۱۳۹۰: ۶۲). بنابراین شواهد تاریخی و از آنجایی که زبان به عنوان ابزار اجتماعی جوامع، همواره دستخوش تحول و دگرگونی است، به مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی و صرفی دو گویش مذکور می‌پردازیم و شباهت‌ها و اختلافات زبانی دو گویش را که به لحاظ جغرافیایی و سیاسی در ارتباطی تنگاتنگ بوده‌اند، مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲ـ تحلیل داده‌ها

۲ـ۱ـ مقایسه‌ی ویژگی‌های آوایی گویش لمزانی و دو گویش مجاور

۲ـ۱ـ۱ـ همخوان‌ها (صامت‌ها)

در گویش بندرخمیر ۲۲ همخوان مشاهده می‌شود (رک. قتالی، ۱۳۸۸: ۱۷)، اما در مورد گویش بستکی اختلاف نظر وجود دارد؛ دو پژوهشگر گویش بستکی در استخراج واج‌ها ناهماهنگی و اختلاف‌نظر دارند. احمدنیا در «بررسی نظام آوایی گویش بستکی» و نیرومند در «بررسی دستور زبان گویش بستکی»، معتقدند این گویش ۲۳ همخوان دارد؛ اما در توصیف داده‌ها با یکدیگر اختلاف دارند. احمدنیا معتقد است: «همخوان /h/ «ه» در گویش بستکی وجود ندارد. از طرف دیگر، همخوان‌های /q/ «ق» و / ?/ «ء» - که در پارسی باستان وجود نداشته‌اند و از زبان عربی وارد زبان فارسی امروزه شده‌اند - نیز در گویش بستکی وجود ندارد.» (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۸). نیرومند /h/ «ه» را در ردیف همخوان‌های بستکی قرار داده و در صفحات متعددی از پایان‌نامه‌ی خود، این واج را در مواضع آغازی و میانی واژه نشان داده‌است؛ از جمله در موضع آغازی واژه‌های /har/ (هَر)، /hič/ (هیچ) (نیرومند، ۱۳۹۰: ۳۴) و موضع میانی واژه‌ی /jāhel/ (جاهل)، همچنین

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

واج خیشومی/ŋ/ که در اصل واجگونه‌ای از /n/ است (ر.ک. ثمره، ۱۳۹۲: ۷۴)، طبق تشخیص آقای احمدنیا، همخوانی مستقل و با تمایز معنایی نسبت به/n/ در گویش بستکی محسوب می‌شود (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۶). نیرومند در پژوهش خود برخلاف احمدنیا، دو واج /h/ و /?/ را به عنوان همخوان‌های گویش بستکی ذکر کرده و هیچ اشاره‌ای به /ŋ/ (نون خیشومی) نداشته‌است. حتی در آوانگاری واژه‌هایی که دارای این واجگونه هستند نیز آنها را به شکل /n/ نوشته‌است.

از موارد اختلاف گویش بندرخمیر با گویش بستکی، فقدان همخوان «ق» در ردیف واج‌های گویشی است. قتالی معتقد است: در گویش بندرخمیر «واج /q/ به /k/ بدل می‌شود؛ مانند /qabul/ که تلفظ می‌شود /Kabul/.» (قتالی، ۱۳۸۸: ۱۹). مطابق پژوهش احمدنیا در گویش بستکی نیز وجود ندارد، اما نیرومند آن را به عنوان واجی زنده و مستعمل در گویش بستکی عنوان نموده و شاهد مثال آورده‌است. واج /ž/ «ژ» در گویش بندرخمیر نیز در ردیف همخوان‌های این گویش ثبت نشده‌است. قتالی در این باره می‌نویسد: «در گویش بندرخمیر واج /ž/ (ژ) کاربرد اندکی دارد و اغلب در صورت برخورد با آن تبدیل به /j/ (ج) می‌شود.» (همان). پژوهشگران بستکی /ž/ «ژ» را همخوانی مستقل محسوب کرده‌اند. احمدنیا آن را همخوانی واکدار و سایشی می‌داند و واژه‌ی /žāla/ (ژاله) را مثال می‌زند (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۵). نیرومند نیز آن را در جدول آوانگاری پایان‌نامه، با واژه‌ی /bižan/ (بیژن) مثال می‌زند.

از دیگر اختلافات دو گویش باید واجگونه‌ی خیشومی /ŋ/ را نام برد. این واجگونه زمانی بروز می‌کند که واکه‌ی بلندِ قبل از همخوان /n/ کوتاه تلفظ شود؛ همانند / nān/ «نان» که در گویش بستکی /noŋ/ تلفظ می‌شود. این واجگونه در گویش‌های بندری و از جمله بندرخمیر مشاهده نشده‌است. در واقع، واکه‌های بلند در گویش‌های بندری قبل از /n/ پایانی شکسته و کوتاه نمی‌شوند. در بین گویش‌های معرفی شده‌ی لارستانی، تنها گویش بستکی است که دارای این واجگونه است (همان: ۶).

	باران	زیبا و قشنگ	نان	زمین
بستکی	baroŋ	jowoŋ	noŋ	zemeŋ
بندرخمیر	bārun	jun	nun	zamin

واجگونه‌ی ناسوده‌ی /w/ را می‌توان بین هر دو گویش مشترک دانست:

	گاو	گبر	خواب	آب	تب
بستکی	gow	gawr	xāw	hāw	tāw
بندرخمیر	gow	gowr	xow	how	tow

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

با توجه به داده‌های پژوهشگران نامبرده، همخوان‌های دو گویش در تقابل با یکدیگر در جدول ذیل نمایانده می‌شوند:

بندرخمیر	ʔ	y	h	r	l	n	m	č	j	š	s	z	γ	x	v	f	g	k	t	d	b	P	
بستکی	ʔ	y	h	r	l	n	m	č	j	š	s	z	γ	x	v	f	g	k	t	d	b	P	q	ž

۲ـ۱ـ۲ـ واکه‌ها

گویش بندرخمیر همانند زبان فارسی معیار، شش واکه شامل سه واکه‌ی کوتاه و سه واکه‌ی بلند دارد (ر.ک. قتالی، ۱۳۸۸: ۱۹). در گویش بستکی ۹ واکه در سه دسته‌ی کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۸). نیرومند تعداد هشت واکه برای گویش بستکی قائل است و احمدنیا ۹ واکه را بر می‌شمارد. اختلاف‌نظر این دو، در واکه‌ی کشیده‌ی /o:/ است که بنا بر اعتقاد احمدنیا، حذف همخوان‌های چاکنایی و کشش واکه‌ای به پدید آمدن این واکه منجر می‌شود و نیرومند آن را در ردیف واکه‌ها محسوب نکرده‌است.

گویش بندرخمیر همانند فارسی معیار تنها سه واکه‌ی کوتاه /o/، /e/، /a/ و سه واکه‌ی بلند /i/، /ā/ و /u/ را داراست. گویش بستکی علاوه بر شش مورد مذکور، سه واکه‌ی کشیده /e/، /a:/ و /o:/ را نیز اضافه دارد که محصول حذف همخوان‌های چاکنایی و کشش واکه‌ای است.

۲ـ۱ـ۳ـ واج‌آرایی

«به چگونگی پیوند و ترتیب و ظاهر شدن صامت‌ها و مصوت‌ها در ساخت هجایی، واج‌آرایی گفته می‌شود.» (مشکوةالدینی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). کیفیّت توزیع همخوان‌ها و واکه در هجا، بخشی از دانش زبانی سخن‌گویان هر زبان را نشان می‌دهد. برای دست‌یافتن به توصیفات بهتر، به بررسی نحوه‌ی آرایش واجی و مقایسه‌ی آن در گویش‌های بستکی و بندرخمیر می‌پردازیم:

۱) در زبان فارسی هجا همواره با همخوان آغاز می‌شود؛ در گویش بستکی و بندرخمیر مطابق آوانویسی احمدنیا و قتالی، همزه‌ی آغازی از ابتدای واژه حذف می‌شود و هیچ واژه‌ای مبتدا به همزه نیست. احمدنیا می‌نویسد: در گویش بستکی، هجا همیشه با همخوان آغاز نمی‌شود.» (احمدنیا، ۱۳۸۷: ۱۲). وی برای تأیید نظر خود، واژه‌های /asp/ (اسب) و /ārd/ (آرد) را مثال زده‌است. قتالی در توزیع صامت‌های گویش بندرخمیر، همخوان همزه را به کار نبرده و معادل آوایی /ʔ/ را تنها برای حرف (ع) نظیر /ayš?/ (عیش، عروسی) و /ju?/ (جوع، گرسنگی) استفاده کرده‌است (قتالی، ۱۳۸۸: ۲۳).

	آرد	دستاس	اسب	علف	الآن
بستکی	ārd	āš	asp	alaf	assoma
بندرخمیر	hārd	hāš	asp	alaf	estema

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۲) معمولاً صفات مفعولی و واژه‌هایی که در زبان فارسی معیار به «ه» بیان حرکت و واکه‌ی /e/ «ِ» مختوم هستند، در فارسی معیار به /e/ «ِ» ختم می‌شوند. در گویش بستکی، تمام این واژگان به واکه‌ی /o/ «ُ» ختم می‌شوند. در گویش بندرخمیر نیز این واژگان به /a/ ختم می‌شوند:

	گربه	سینه	دسته	نشسته	آمده
بستکی	gorbo	seno	dasso	šonosso	ando
بندرخمیر	gorba	sina	dasta	nešta	honda

۳) در گویش بستکی ابدال /ɾ/ «ر» به /l/ «ل» بسامد بالایی دارد. این ابدال در گویش بندرخمیر جز در معدودی از واژه‌ها مشاهده نمی‌شود و به صورت گرایش یا ویژگی گویشی تلقی نمی‌شود؛ به خصوص در مواضع ابتدایی افعال و واژگان که برخلاف گویش بندرخمیر، در گویش بستکی همانند گویش لاری یک خصیصه‌ی گویشی محسوب می‌شود. مالچانوا در توصیف گویش‌های لاری می‌نویسد: «در زمینه‌ی صامت‌ها تحول /ɾ/ به /l/ و /t/ به /d/ مشهود است. لاری /bazāl/ (بازار)، فارسی دری/bāzār/.» (مالچانوا، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

	موریانه	انبر	لباس	ریسمان	چهره	ردیف
بستکی	lemez	ambol	lak	lesmoŋ	li	loš
بندرخمیر	remizg	ambor	rak	rešmun	ru	rest

۴) در گویش بستکی واکه‌های بلند /i/ و /u/ در ابتدای واژه کوتاه می‌شوند، اما در گویش بندرخمیر بلند تلفظ می‌شوند:

	برگ نخل	کره‌ی حیوانی	نیمه	دیدن	سینه	باریک
بستکی	peš	nemošk	nemo	dedo	seno	barik
بندرخمیر	piš	nimošk	nima	diden	sina	bārik

/u/

	مادر	نامزد	جان	شدن	کفش	خورشید
بستکی	moŋ	nomzad	joŋ	bodo	joti	loz
بندرخمیر	mum	numzad	jun	buden	juti	ruz

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

همچنین این دو واکه در مواضع پایانی هجا نیز کوتاه می‌شوند که این کوتاه شدن، در گویش بستکی به خیشومی شدگی «ن» پایانی می‌انجامد:

	زمین	رسیدن	شیرین	دکان	دندان	لمزان
بستکی	zemeŋ	rasedo	šereŋ	dokoŋ	dodoŋ	lemazoŋ
بندرخمیر	zamin	rasiden	širin	dokun	dandun	lemazun

۵) در گویش بستکی /t/ از خوشه‌ی همخوانی /st/ «سْتْ» حذف می‌شود؛ به بیانی دیگر، واج/t/ با /s/ همگون‌سازی می‌شود. این خصیصه از ویژگی خانواده‌ی گویش‌های لارستانی است که در گویش بستکی نیز مشاهده می‌شود، اما گویش بندر خمیر این همگونی را ندارد:

	بستن	شکستن	مست	خسته	پوست	زمستان
بستکی	basso	eškasso	mass	xasso	piss	zamessoŋ
بندرخمیر	basten	eškasten	mast	xasta	pust	zemestun

این مثال در مورد /x/ «خ» در خوشه‌ی همخوانی /xt/ «خْتْ» نیز صادق است که در گویش عموماً بستکی حذف می‌شود، ولی در گویش بندرخمیر موجودیت دارد و تنها به صورت گرایش در معدودی از واژه‌ها مشاهده می‌شود:

	دختر	سوختن	ریختن
بستکی	dot	soto	loto
بندرخمیر	doxt	soxten	rixten

۶) در گویش بستکی، در ابتدای واژه‌هایی که با /h/ «ه» آغاز می‌شوند، معمولاً به صورت گرایش، همخوان /?/ «ء» تلفظ می‌شود. در گویش بندرخمیر گرایش بر تلفظ همخوان /h/ «ه» آغازی است؛ حتی در ابتدای بعضی واژه‌ها که مبتدا به همزه هستند نیز گرایش بر تلفظ و استعمال همخوان /h/ وجود دارد.

	آرد	باجناق	آب	حصیر	دستاس	قارچ
بستکی	ārd	amriš	āw	asir	āš	akāl
بندرخمیر	hārd	hamriš	hāw	hasir	hāš	hakāl

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

۷) در گویش بستکی زمانی که همخوان‌های ساکن /h/ «ه» و/?/ «ء» بعد از واکه‌های کوتاه /ā/ «آ» و /o/ «اُ» قرار بگیرند، از دایره‌ی تلفظ حذف می‌شوند و واکه‌ی ماقبل کشیده می‌شود. همچنین همخوان روان /y/ «ی» نیز در محیط بعد از واکه‌ی /e/ «اِ» در صورت سکون، حذف می‌شود و واکه‌ی ماقبل، به جبران آن کشیده می‌شود. این فرآیند در گویش بندرخمیر وجود ندارد:

/a/ ,/o/

	محکم	مهریه	تلخ	زهره	پهلو	بزغاله
بستکی	mo:kam	ma:r	ta:r	za:ra	pa:ri	Ka:r
بندرخمیر	mohkam	mahr	tahr	zahr	pahlu	kahra

/e/

	سیل	دنبلان	تایم	میوه	کیل	پیک عروسی
بستکی	se:l	xe:r	te:m	me:va	ke:la	xe:loŋ
بندرخمیر	seyl	xehr	teym	meyva	keyla	xeylun

۸) در گویش بستکی واژه‌هایی که مختوم به /ār/ «ار» هستند، درحالت اضافی کوتاه می‌شوند و به /ar/ « ـَر» مبدل می‌شوند. این فرآیند در گویش بندرخمیر رخ نمی‌دهد:

	کارِ گل اندوده	بارِ الاغ	دارِ() بادام
بستکی	kar-e šal	bar-e xar	dar-e badom
بندرخمیر	kār-e gel	bār-e xar	dār-e bādom

همچنین در ترکیب اضافی، زمانی که مضاف مختوم به واکه‌ی بلند باشد نیز این کوتاه شدگی در گویش لمزانی و بستکی در تقابل با گویش بندرخمیر رخ می‌دهد:

	برادر ما	حلوای خوشمزه	خواهر بزرگ من	جای مناسب
بستکی	kākay amā	halvay xaš	dāday mo	jay valm
بندرخمیر	kākāy mā	halvāy xāš	dādāy me	jāy valm

۹) در گویش بستکی واکه‌ی /u/ بدل از /ā/ یا بر اثر کشش واکه‌ای نمود می‌یابد و تقریباً تمام واژه‌هایی که در فارسی امروزه این واکه را دارند، در این گویش به اشکال

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

/i/ نمـود می‌یابنـد؛ در حالـی کـه در گویـش بندرخمیـر ایـن تبدیـل دیـده نمی‌شـود و گرایـش عمومـی بـر تلفـظ واکـه‌ی /u/ اسـت.

واژه‌های دو هجایی:

	عمو	آلو	زانو	مولود	لوطی	پولک	دایی
بستکی	āmi	āli	zāni	mowlid	liti	pilaki	xāli
بندرخمیر	āmu	ālu	zānu	mowlud	luti	pulaku	xālu

واژه‌های تک‌هجایی:

	خور	مدفوع	لوک	شوی(شوهر)	بو	رو
بستکی	xir	gi	lik	ši	bi	li
بندرخمیر	xur	gu	luk	šu	bu	ru

۲ـ۲ـ مقایسه‌ی ویژگی‌های صرفی گویش لمزانی و دو گویش همجوار

۲ـ۲ـ۱ـ شناسه‌ها

«مفهـوم شـخص و نیـز مفهـوم افـراد و جمـع را اجزایـی مشـخص می‌کننـد کـه آنهـا را شناسـه می‌نامنـد.» (انوری‌گیـوی، ۱۳۸۹: ۲۲). بعضـی از دستورشناسـان بـا اطـلاق کلـی عنـوان شناسـه موافـق نیسـتند؛ فرشـیدورد معتقـد اسـت: «برخـی از دستورنویسـان، شناسـه را بـه جـای ضمایـر فاعلـی بـه کار بـرده و آن را وارد کتاب‌هـای درسـی کـرده انـد کـه مناسـب نیسـت؛ زیـرا اینهـا فاعـل می‌شـوند. بنابرایـن ضمیرانـد نـه شناسـه.» (فرشـیدورد، ۱۳۹۲: ۳۷۶). شناسـه‌ها در دو گویـش بسـتکی و بندرخمیـر بـه دو شـکل پیشـین و پسـین کاربـرد دارند. در افعـال متعـدی در زمـان گذشـته، شناسـه‌ها بـه شـکل ضمایـر فاعلـی و مفعولـی قبـل از بـن فعـل می‌آینـد و پیشـین هسـتند. وجـوه تشـابه شناسـه‌ها ـ سـوای اختـلاف آوایـی و لفظـی آنهـا ـ در سـه گویـش را می‌تـوان ایـن گونـه ترسـیم کـرد:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

الف ـ شناسه‌های پسین (شناسه‌های افعال لازم در زمان گذشته):

	اول‌شخص مفرد	دوم‌شخص مفرد	سوم‌شخص مفرد	اول‌شخص جمع	دوم‌شخص جمع	سوم‌شخص جمع
بستکی	em	eš		om	i	en
بندرخمیر	om	i		im	itun	en

مثال از فعل «خوابیدن» به ساخت گذشته‌ی ساده:

	اول‌شخص مفرد	دوم‌شخص مفرد	سوم‌شخص مفرد	اول‌شخص جمع	دوم‌شخص جمع	سوم‌شخص جمع
بستکی	em	eš	xat-ϴ	om	i	en
بندرخمیر	om	i	xat-ϴ	im	itun	en

ب- شناسه‌های پیشین نوع ۱ (شناسه‌های افعال متعدی گذشته):

	اول‌شخص مفرد	دوم‌شخص مفرد	سوم‌شخص مفرد	اول‌شخص جمع	دوم‌شخص جمع	سوم‌شخص جمع
بستکی	om	ot	oš	moŋ	toŋ	šoŋ
بندرخمیر	om	et	eš	mun	tun	šun

مثال از فعل «زدن» با ساخت گذشته‌ی ساده:

	اول‌شخص مفرد	دوم‌شخص مفرد	سوم‌شخص مفرد	اول‌شخص جمع	دوم‌شخص جمع	سوم‌شخص جمع
بستکی	om-zot	ot-zot	oš-zot	moŋ-zot	toŋ-zot	šoŋ-zot
بندرخمیر	om-zad	et-zad	eš-zad	mun-zad	tun-zad	šun-zad

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

پ- شناسه‌های پیشین نوع ۲ (افعال متعدی گذشته):

	اول‌شخص مفرد	دوم‌شخص مفرد	سوم‌شخص مفرد	اول‌شخص جمع	دوم‌شخص جمع	سوم‌شخص جمع
بستکی	ma	ta	ša	moŋ	toŋ	šoŋ
بندرخمیر	ma	ta	ša	mun	tun	šun

با بررسی شناسه‌ها مشخص می‌شود که هر دو گویش در ویژگی ارگاتیو مشترک هستند. تفاوتی که گویش بندرخمیر با گویش بستکی در مبحث شناسه‌ها دارد، این است که در این گویش شناسه‌های پیشین نوع ۲ برای ساخت افعال لازم مثل «گذشته‌ی استمراری» نیز استفاده می‌شود. درصورتی که در گویش بستکی، شناسه‌های پیشین تنها برای افعال متعدی استفاده می‌شود.

۲ـ۲ـ۲ـ وندهای فعلی

۱) در گویش بستکی پیشوند /a/ نشانه‌ی استمرار و معادل «می» در زبان فارسی است که در ابتدای افعال گذشته‌ی استمرای، گذشته‌ی بعید استمراری، گذشته‌ی مستمر و حال اخباری به کار می‌رود. در گویش بندرخمیر، این وند در زمان گذشته کاربرد ندارد و تنها در زمان حال اخباری به کار می‌رود. در این گویش به جای وند استمراری، شناسه‌های پیشین افعال متعدی برای زمان گذشته‌ی استمراری استفاده می‌شود:

	می‌رفتم	می‌رفتید	می‌ایستی	می‌ایستید
بستکی	a-raft-em	a-raft-i	a-vays-eš	a-vays-i
بندرخمیر	ma-raft-er	tuna-raft-er	a-vost-i	a-vost-itun

۲) در گویش‌های بستکی برای حال مستمر از وند پیشین /a/ و در گویش بندرخمیر به شکلی متفاوت و با تکواژ/na/ ساخته می‌شود. معادل فعل کمکی «دارم» در گویش بندرخمیر، پسوند فعلی /en/ است:

	دارم می‌ریزم	دارید می‌زنید	دارند می‌روند
بستکی	a-barenad-ām	a-zot-ai	a-raft-ān
بندرخمیر	na-rixt-en-om	na-zed-en-itun	a-raft-en-en

۳) پیشوند /vā/ در گویش بستکی علاوه بر اینکه در نقش دستوری ظاهر می‌شود، در مواردی نیز نقشی فرادستوری دارد و تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. در گویش بستکی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

بسیاری از افعال با این پیشوند شروع می‌شود و در واقع، می‌توان گفت این پیشوند در بین خانواده‌های گویش‌های لارستانی مشترک است. در گویش بندرخمیر همانند بقیه‌ی گویش‌های بندری، این وند کاربرد چندانی ندارد.

	عفونت زخم	بازگرداندن	برداشتن	چیدن،جمع کردن
بستکی	vāšskasso	vā-gardenado	vā-sesso	vā-čedo
بندرخمیر	---	bar-gardiden	seyden	čiden

۴) در گویش بستکی تکواژ سببی /ena/ قبل از نشانه‌ی گذشته‌ی فعل- آخرین همخوان فعلی- می‌آید و فعل لازم (ناگذر) را متعدی (گذرا) می‌سازد. در گویش بندرخمیر به گونه‌ای دیگر و همانند افعال بندری، با تغییر آوایی به نسبت زبان فارسی افعال متعدی می‌شوند:

	رسیدن (لازم)	رساندن (متعدی)	سوختن (لازم)	سوزاندن (متعدی)
بستکی	rased-o	ras-enad-o	soto-soxed-o	Sox-enad-o
بندرخمیر	rasid-en	ras-ond-en	soxt-en	Sox-ond-en

۲ـ۲ـ۳ـ مصدر

در اکثر گویش‌های لارستانی، مصدر با افزودن واکه‌ی /a/ به بن یا ماده‌ی گذشته فعل ساخته می‌شود؛ به عبارتی دیگر در قیاس با زبان فارسی معیار، مصدر در گویش لمزانی با حذف «ن» پایانی حاصل می‌شود و مختوم به حرکت فتحه است. در گویش بستکی نیز مصدر به همین شیوه ساخته می‌شود که مختوم به واکه‌ی /o/ است (نیرومند، ۱۳۹۰: ۵۳). در گویش بندرخمیر، مصدر همانند فارسی معیار با ابقای «ن» پایانی و با نشانه‌ی /en/ ساخته می‌شود (قتالی، ۱۳۸۸: ۵۱).

	خوردن	انداختن	نشستن	برخاستن
بستکی	xard-o	kašt-o	šonoss-o	rossad-o
بندرخمیر	xard-en	kardid-en	nest-en	rostād-en

همان طور که داده‌های بالا نشان می‌دهد، ساخت مصدر در گویش بستکی همراه با حذف «ن» مصدری و مختوم به واکه است؛ در حالی که ساخت مصدر در گویش بندرخمیر به شیوه‌ای دیگر است. مؤلف «کتاب فرهنگ لارستانی و لارستان کهن»

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

در مـورد شـناخت گویش‌هـای لارسـتانی می‌نویسـد: «خصوصیـات مشـترک لهجه‌هـای لارسـتانی آن است کـه از مصـادر، تقریبـاً در تمـام لهجه‌هـا یکسـان اسـت یـا حداقل ریشـه‌ی آنهـا یکـی اسـت.» (اقتـداری، ۱۳۷۱: ۲۲). بنـا بـر نظریـه‌ی ذکـر شـده، گویـش بسـتکی از منظـر سـاخت مصـدر هماننـد بقیـه‌ی گویش‌هـای لارسـتانی اسـت.

۲ـ۲ـ۴ـ افعال معین و ربطی

افعـال کمکـی و اسـنادی مهـم و پـر بسـامد گویـش بسـتکی عبارتنـد از:/esso/ (اسـتن)، / den/ (بـودن)،/bodo/ (شـدن)، /hessi/ (هسـتن) و نیـز فعـل /bew/ کـه فعل کمکی گذشـته‌ی التزامـی اسـت و امـروزه شـکل مصـدری نـدارد و شـاید مصـدر درسـت آن «بِبـودن» باشـد. گویـش بندرخمیـر تنهـا در دو مصـدر «شـدن» و «هسـتن» بـا گویش بسـتکی مشـترک اسـت:

	آمده‌اند	رفته بودم	زده باشم
بستکی	ando-ss-en	rafto-ssoŋd-em	om-zoto-bit
بندرخمیر	hond-an	rafta-er-om	om-zade- bašet

۲ـ۲ـ۵ـ فعل مجهول

برای ساخت فعل مجهول در گویش بستکی دو شیوه وجود دارد:

الف: از صفت مفعولی و صرف /rafto/ «رفتن»

خورده شد ← a xardo raft

فروخته شد ← a ferato raft

در گویش بندرخمیر نیز فعل مجهول از معادل فعل «شدن» یعنی /buden/ ساخته می‌شود:

خورده شد ← xardabu

پاره شده بود ← derda buder

نتیجه‌گیری

برآینـد حاصـل از مقایسـه‌ی دو گویـش بسـتکی و بندرخمیـر نشـان می‌دهـد کـه گویـش بسـتکی در مبحـث آوایـی بـا خصوصیاتـی نظیر خیشـومی شـدگی و کشـش واکـه‌ای از گویش بندرخمیـر متمایـز اسـت. همچنیـن در گویـش بسـتکی، فرآیندهایـی چـون ابـدال /r/ بـه /l/ و همگونـی در خوشـه‌ی هخوانـی /st/ مشـاهده می‌شـود کـه گویـش بندرخمیـر فاقـد آن اسـت.

در مبحـث صرفـی، دو گویـش دارای شناسـه‌ی ارگاتیـو هسـتند. سـاخت مصـدر، وندهـای فعلـی، تکـواژ سـببی، افعـال معیـن و ربطـی و فعـل مجهـول، گویـش بندرخمیـر را بـه طـور کامـل از گویـش بسـتکی جـدا می‌سـازد و نشـان می‌دهـد، هـر چنـد بندرخمیـر نیـز تحـت سـیطره‌ی خوانیـن بسـتک وحاکمـان لارسـتان بـود و بعدهـا مقصـد مهاجـرت و سـکونت‌گاه سـادات و مشـایخ و مریـدان آنهـا شـد، امـا گویـش ایـن شـهر بـه جـز تشـابهات انـدک آوایـی، از تأثیرپذیـری ـ بـه ویـژه در مباحـث صرفـی و واژگانـی ـ از گویش‌هـای لارسـتانی و بسـتکی محفـوظ مانده‌اسـت.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

منابع و مآخذ

باحمدنیا، مهدی (۱۳۸۷)، «*بررسی نظام آوایی گویش بستکی*»، همایش بین‌المللی زبان‌شناسی و مردم‌شناسی لارستان، ۱-۱۷.

افراسیابی، اسماعیل (۱۳۹۰)، *گمشدگان لب دریای پارس*، تهران: دولتمند.

اقتداری، احمد (۱۳۷۱)، *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، تهران: جهان معاصر.

انوری، حسن و احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی ۲*، ویرایش سوم، تهران: فاطمی.

باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *مسائل زبان‌شناسی نوین*، تهران: آگاه.

باقری، مهری (۱۳۹۲)، *مقدمات زبانشناسی*، تهران: قطره.

بالود، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ‌عامه در منطقه بستک*، تهران: همسایه.

ثمره، یدالله (۱۳۹۲)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*، تهران: نشر دانشگاهی.

دژگانی، فاطمه (۱۳۸۷)، *بندرخمیر بهشت گمشده*، تهران: سیروان.

سلامی، احمد (۱۳۷۳)، *بستک در گذرگاه تاریخ*، بندرعباس: مؤلف (بی‌نا).

فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲)، *دستور مفصل امروز*، تهران: سخن.

کبابی، محمدعلی (سدیدالسلطنه) (۱۳۶۳)، *بندرعباس و خلیج فارس*، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

قتالی، سیدعبدالجلیل (۱۳۸۸)، *بررسی گویش و واژگان بندرخمیر*، شیراز : ایلاف.

مالچانوا، ای.ک (۱۳۸۰)، «*گویش‌های لاری*»، ترجمه‌ی معصومه احسانی، نامه فرهنگستان، شماره‌ی ۱۸: ۱۸۳-۱۸۷.

مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۹۳)، *ساخت آوایی زبان*، مشهد: دانشگاه فردوسی.

موحد، جمیل (۱۳۸۴)، *بستک و خلیج فارس*، تهران: بال کبوتران.

نیرومند، سامیه (۱۳۹۰)، «*پژوهشی در دستور زبان گویش بستکی*»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]

The Phonetic and Morphological Features of Bastaki and Bandar Khamiri Dialect, a Comparative Study

M.S. Arzankar[1]

Abstract

The port cities of Bandar Khamir and Bastak are located in Hormozgan province. The dialect spoken in Bandar Khamir is a sub-division of Bandari, and the dialect of Bastak is a subset of Dari Lârestâni. During the reign of the rulers of Bastak, the port city of Bandar Khamir was governed by Bastaki leaders; also the arrival of Sadatqetali from Guwdah to Bastak as missionaries had a great impact on Bandar Khamir's dialect. In this study, phonetic and morphological features of these dialects have been examined and compared. Sources used in this study include books, thesis, articles and vocabularies from both dialects; the dialectical data were compared using the descriptive-analytical method. The results of this study indicate that although the dialect spoken in Bandar Khamir is influenced by Lârestâni dialect but it has not lost its originality as part of the family of Bandari dialects, and has tended toward Lârestâni and Bastaki dialects in some limited phonetic featu res.

Keywords: Comparison of dialects, Bandar Khamir Dialect ,Bastaki Dialect, phonetic features, morphological features

1. M.A., Persian Language and Literature.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-23]